

جهان اسطوره شناسی

IV

ترجمه و تدوین: جلال ستاری

تألیف: ژرژ دومزیل

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

موضوع: اسطوره‌شناسی، تاریخ ادبیات

آثاری از

ژرژ دومزیل، روزبه کایوا، ژرژ گودورف

ماسائو یاماگوشی، جیمز دارمستتر

ترجمه‌ی جلال ستاری

Email: info@nashr.com

www.nashr.com

صفحه

پانزدهم مترجم

۱. خداپایان سه گنش: تفسیر اسطوره‌های هندو و ایرانی

۲. اسطوره‌شناسی: بررسی اسطوره‌های ایران باستان

۳. اسطوره‌شناسی: بررسی اسطوره‌های ایران باستان

۴. اسطوره‌شناسی: بررسی اسطوره‌های ایران باستان

۵. اسطوره‌شناسی: بررسی اسطوره‌های ایران باستان

۶. اسطوره‌شناسی: بررسی اسطوره‌های ایران باستان

۷. اسطوره‌شناسی: بررسی اسطوره‌های ایران باستان

۸. اسطوره‌شناسی: بررسی اسطوره‌های ایران باستان



نشر مرکز

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۸۸۸۸۸

یادداشت مترجم

ز آن که گنج در پاسخ به پرسشی که سال‌ها پس از مرگش به چاپ رسیده گفت: «من همواره اساطیر را بر تاریخ ترجیح داده‌ام، زیرا تاریخ مرکب از حقایق است که در نهایت فروغ از آب درمی‌آیند و اساطیر از دروغ‌هایی ساخته و پرداخته شده‌اند که به مرور به حقیقت تبدیل می‌شوند.» البته از دیدگاه انسان امروزی دستگیر تا دوازدهی متأخر، اسطوره، قضاة دروغی بیش نبوده است، اما قوام اسطوره، پرده از اسطوره‌ها، همواره اسطوره را داستان خوانست و می‌دانست که از شای و والا و قدسی برخوردار است و بنابراین همه وقت و همه جا نباید نقل شود بلکه روایش در اوقاتی خاص و در مکانی خاص مجاز و رواست چون پرده از اسطوره بومی گیرد که نباید سرسری گرفته شوند. به روزگار ما این

فهرست

یادداشت مترجم	هفت
خدایان سه گنش	ژرژ دومزیل ۱
گنش اسطوره	روژه کایوا ۳۷
کیهان اسطوره‌ای	ژرژ گودورف ۵۲
ساختار اسطوره‌ای - تئاتری پادشاهی در ژاپن	ماسائو یاماگوشی ۹۰
وجوه مشترک میان مهابهارات و شاهنامه	جیمز دارمستتر ۱۲۸
اسطوره الگوی ایرانی ترستان و ایزوت	جلال ستاری ۱۵۳

خدایان سه کُنش*

یقین دارم که با بررسی و پژوهش در باب «خدایان هندواروپایی»، مفهومی به دست می‌آید که لغو و بیمورد نیست. واقعیتی که زبان‌شناسان همه اجزایش را کاویده‌اند، خوشبختانه ثابت می‌کند که این قوم کهن ماقبل تاریخی، خدایان و خدایان فردی (individuel، صاحب فردیت و نامی خاص) را به گونه‌ای که گردهم آمده، دسته و گروهی تشکیل داده‌اند، تصور کرده‌اند: نزد وارثان تمدن هندواروپایی، همه جا یا تقریباً همه جا، واژگانی که از یک نمونه نخستین (prototype) یعنی deiwos مشتق شده و بر اثر تکامل و تحولی قاعده‌مند صورت بسته‌اند و به صیغه مفرد یا جمع به کار می‌روند، دقیقاً و تحقیقاً به موجوداتی شخصی (personnel، صاحب شخصیت و نامی خاص) و ابرانسان، اما شبیه انسان، اطلاق می‌شوند. بنابراین هندواروپائیان مشترکاً و جمعاً در مقوله معتقدات دینی، دوران طولانی تکامل را به پایان رسانده بودند که همانا وجه امتیازشان از اشکال تصور و بازنمایی‌ایست که با شتابزدگی و بی‌تأمل، ابتدایی یا حتی بدوی نامیده می‌شوند.

اما این واقعیت که ما تقریباً نام هیچ خدای فردی (صاحب فردیت) را نمی‌شناسیم که نام مشترک دسته‌ای بزرگ از ایزدان باشد، از اهمیت واقعیت یادشده نمی‌کاهد و چه چیزی جز این انتظار می‌توان داشت؟ نام‌های خاص